

موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی
مرکز اسناد و مدارک علمی ایران

قواعد و قرارداد های ساختن اصطلاح نامه

کسانی که مایل به دریافت این نشریه هستند با نشانی
تهران - صندوق پستی ۱۱-۱۳۸۷
مکاتبه نمایند.

تهران

۱۳۵۰

آنچه در زیر می‌آید مجموعه قواعدی است که در ایجاد اصطلاح نامه اهمیت اساسی دارند • این قواعد برد و گونه اند :

۱- قواعد انتخاب واژه هائی که میتوان در تحت آنها اطلاعات گوناگون را دسته بندی کرد •

۲- قواعد ترکیب و کاربرد این واژه ها •

از آنجا که واژه های برگزیده شده در معانی خاصی تیراز معانی عادی خود بکار میروند و چگونگی کاربرد آنها تنها بر اهل فن آشکار است ، در يك از آنها را " اصطلاح " و مجموعه آنها را با اضافه قواعد ترکیبشان " اصطلاح نامه " نام نهاده اند •

اکنون که کار اندکس سازی به مفهوم علمی آن در ایران آغاز شده است ضرورت ایجاد اصطلاح نامه های مختلف روز به روز بیشتر احساس میشود • امید است که شرح زیر بتواند فتح بابی بشمار آید و اندکس سازان را در ایجاد اصطلاح نامه های اختصاصی راهنمایی کند • در ترجمه لغات فنی سعی شده است که از لغات رایج استفاده شود • (بجزینسک مورد که وضع واژه فی تازه ناگزیر می نمود •) در عین حال کوشش شده است که ابهامی که در کاربرد لغات در زبان اصلی وجود دارد به فارسی راه نیابد •

در خاتمه باید از خانم گیتی هندسی افشار که رنج ترجمه این راهنما را بر خود هموار داشته اند تشکر کرد •

علی سینایی

فهرست اصطلاحات

Term	اصطلاح	
Related Term	اصطلاح وابسته	
Broader Term	اصطلاح اعم	
Narrower Term	اصطلاح اخص	
Nomenclature	مجموعه اصطلاحات	} رجوع کنید به توضیحات ضمیمه
Terminology	مجموعه اصطلاحات	
Thesaurus	اصطلاح نامه	
Vocabulary	واژه گان (از دکتر مقدم)	
Entry	مدخل	
Direct Entry	مدخل مستقیم	
Reference	ارجاع	
Cross Reference	ارجاع معکوس	
Use' Reference	ارجاع مطلق	
Used For	ارجاع ثانوی	
Descriptor	توصیف گر	
Individual Descriptor	توصیف گر بسیط	
Multiword Descriptor	توصیف گر مرکب	
Specific Descriptor	توصیف گر خاص	
Indexing	اندکس سازی	
Conceptual Continuum	تداوم مفهومی	
Propertry Continuum	تداوم کیفی	
Acronym	سرنام (رجوع کنید به توضیحات ضمیمه)	

قواعد و قرارداد های ساختن اصطلاح نامه

برای بوجود آوردن يك اصطلاح نامه بمنظور كنترل و نظارت بر واژه گان در سیستم های ذخیره و بازبایی اطلاعات ابتدا باید تصمیمات معینی اتخاذ و تثبیت گردند بطوریکه بتوان ساختمان داخلی اصطلاح نامه را بشکل ثابت و منطقی بوجود آورد • علاوه براین استفاده کنندگان يك اصطلاح نامه نیز محتاجند بایک سلسله قواعد بخصوص آشنا شده و بصورتی صحیح آن قواعد را بکار بندند •

ابتدا این قواعد و قرارداد ها بعنوان يك مرجع پایه در طرح مشترك EJC - Project LEX که بمنظور تهیه يك اصطلاح نامه مشابه برای شورای مشترك مهندسين (EJC) و همچنین وزارت دفاع تهیه شده بود مورد استفاده قرار گرفت • اصولی که در این شورا مطرح گردید بایستی بمنظور تهیه و استفاده در هر اصطلاح نامه دیگر بکار رود • روش یکسان بکار بردن قواعد و قرارداد های پذیرفته شده برای اصطلاح نامه در سیستم های ذخیره و بازبایی اطلاعات امر تطبیق سیستم ها را از نظر ایجاد عملیاتی سودمند تر و موثرتر بسهولت امکان پذیر مینماید •

قواعد اصطلاح نامه مورد بحث بوسیله گروهی که از طرف هیئت مشاورین ناظر بر مجموعه لئانت مهندسی شورای مشترك مهندسين در نظر گرفته شده بودند آماده گردید اعضای این هیئت عبارت بودند از:

David M. Liston - Battelle Memorial Institute,
chairman

Margaret Hicks - CFSTI, assigned to Project LEX

Jack W. Hiff - Bureau of Reclamation, Dept. of
the Interior

Terry Gillum - DDC, assigned to Project LEX

Eugene Wall - Consultant to Project LEX

کلمات فهرست - توصیف گر ها (۱)

توصیف مدارك فنی (اندکس سازی) - بمنظور ذخیره و بازبایی اطلاعات مستلزم بکار بردن دو

(۱)

مثالهاییکه بعنوان توصیف گر در این قوانین و مقررات داده شده فقط برای نمایش است و به هیچ وجه الزامی نیست که در اصطلاح نامه از آنها استفاده شده باشد •

نوع اصطلاح ویژه است: (الف) اصطلاحاتی که اطلاعات و داده های محتوای مدارک را توصیف میکند • (ب) اصطلاحاتی که اطلاعات کتابشناسی خود مدارک را توصیف میکند و با اطلاعات محتوای آنها کاری ندارد • دسته دوم یعنی اصطلاحات مخصوص کتابشناسی از قبیل نام مولف، سازمانهای نشر، تاریخ انتشار و غیره نباید وارد اصطلاح نامه شوند • اصطلاحاتی که توصیف کننده اطلاعات داخلی و محتوای اسناد و مدارک هستند ممکن است شامل مشخصات زیر باشد: (۱) اسامی طرحها (۲) وجوه تسمیه نظامی (۳) علائم یا اعدادی که برای شناسایی بکار میروند (۴) اسامی مستحار یا مصداح (۵) اسامی ترکیبی متشکل از عوامل سیاسی و اجتماعی (۶) علائم تجارتی (۷) سایر اسامی خاص (۸) اصطلاحاتی که دارای طبیعت تحلیلی هستند مانند: anemometers, boundary layer, cardiovascular system, density, energy conversion, heat resistant alloys, spectroscopy.

(۹) اصطلاحاتی که دارای مفاهیم انتزاعی هستند مانند: tests, measurement, calibration اصطلاحاتی که از نظر اندکس سازی در درجه اول اهمیت قرار میگیرند اصطلاحات ردیف ۸ و ۹ هستند • برای سهولت کار این قبیل اصطلاحات را که برای فهرست شدن در اصطلاح نامه انتخاب میشوند توصیف گرمی نامند •

قواعدی که در ساختمان اصطلاح نامه بکار میروند به سه نوع مختلف تقسیم میشوند:

- (۱) قواعدی که با اصطلاحات اساسی سروکار دارند (ت ۱ - تا ت ۱۲)
- (۲) قواعدی که در مورد ارجاعات وضع شده اند (ج ۱ - تا ج ۸)
- (۳) قاعده الفبائی کردن (الف ۱)

ت ۱۰

انتخاب توصیف گرمی

انتخاب توصیف گرهایی که تشکیل دهنده يك اصطلاح نامه هستند بایستی با در نظر گرفتن میزان مفید بودن آنها در برقراری تفهیم و تفاهم، سهولت فهرست شدن و همچنین نحوه بازیابی اطلاعات انجام گیرد • بنابر کلی مفید بودن اصطلاحات را می توان با در نظر گرفتن چهار نکته تعیین کرد: (۱) تکرار نسبی اصطلاحات در نوشته های مربوط (۲) تکرار نسبی اصطلاحات در يك سیستم مورد استفاده (۳) ارتباط آن اصطلاحات با توصیف گرهایی که قبلاً

انتخاب شده اند (۱) صراحت و دقت و قابل قبول بودن اصطلاحات از نظر علمی یا فنی • عوامل مذکور خیلی به هم وابسته اند و باید همه آنها را در انتخاب توصیف گر مورد توجه قرار داد • الف - وفور استعمال يك اصطلاح در اندكس سازی و جستجو در يك مجموعه لغات تقريباً میزان مفید بودن آنرا نشان میدهد • اهمیت وفور استعمال يك اصطلاح به نحوه استفاده از سایر اصطلاحات • قدمت تقریبی خود اصطلاح و همچنین قدمت و وسعت آن مجموعه لغات بستگی دارد • اصلاحاتی که به میزان زیاد در يك مجموعه لغات به کار میروند ممکن است ماهیمی را برسانند که یا خوب تعریف نشده اند و یا آنقدر کلی هستند که نمیتوانند برای توصیف موضوع مورد نظر مفید واقع شوند ولی اصطلاحاتی که کمتر به کار رفته اند ممکن است معرفت ماهیمی باشند که یا خیلی پیچیده و غامضند و یا اینکه بسیار اختصاصی (Specific) هستند • کمی استعمال نباید الزاماً باعث رد کردن اصطلاحی باشد که معرفت مفهوم جدیدی بوده و به تازگی به مجموعه لغات اصلی اضافه شده است • قاعده کلی اینست که توصیف گر هائی انتخاب شوند که دقیقاً موضوع فهرست شده را برسانند • در این صورت مفید بودن اصطلاحات با در نظر گرفتن وفور استعمال آنها در کار فهرست کردن قابل ارزشیابی است • ب - همچنانکه ساختمان اصطلاح نامه پیش میرود و توصیف گر ها انتخاب می شوند خود بخود حد و رسم مجموعه لغات تعیین میشود که میتواند مبنای انتخاب توصیف گر های بعدی شود • توصیف گر های مورد نظر را باید آزمایش کرد تا معلوم شود آیا میزان دقت آنها متناسب با ساختمان موجود اصطلاح نامه هست و آیا ماهیم بسیار مشخصی را میسرانند یا نه ؟ از انتخاب توصیف گر هائی که معانی آنها با توصیف گر هائی که قبلاً انتخاب شده اند خیلی به هم نزدیک است باید اجتناب نمود زیرا تشخیص این توصیف گر ها از یکدیگر همیشه غهرست کنندگان و کاوشگران را دچار اشکال میسازد •

ج - قابل پذیرش بودن اصطلاحات را می توان به وسیله مراجعه به واژه نامه ها ، دائرة المعارفها ، و سایر فهرستهای مجموعه لغات و همچنین با مشورت متخصصان موضوعی معلوم کرد • کلمات عامیانه ، اصطلاحات مخصوص يك صنف ، واژه های ابداعی و همچنین اصطلاحات ناپسند باید از

اصطلاح نامه حذف شوند •

د • معمولاً " لازم است که حداکثر درازای اصطلاحات را معین کرد تا همه اصطلاحات طول معینی داشته باشند و یا اینکه همه آنها را در یک اندازه صفحه خاصی که برای اصطلاح نامه چاپ شده در نظر گرفته می شود آسانی بگنجد • حداکثر تعداد حروفی که برای یک اصطلاح (ممکن است مفرد یا مرکب باشد) توصیه می شود ۳۶ حرف است •

ت • ۲

شکل اسم (Noun Form)

تا آنجا که ممکن است باید از اسم استفاده کرد مثلاً " (roughness) را بجای (rough) بکار برد • در موارد بسیار محدودی برخی از مفادیم که برای بازیابی لازم است تنها بوسیله صفات یا عبارات مترادف آن قابل بیان است • این قبیل مفاهیم معمولاً " شکل کلمات یا عباراتی را پیدا میکنند که به نحوی طرز کار، عملیات، ابزار و وسائل، و یا سیستمها را توصیف نمایند مانند کلمات (airborne, mobile, portable) افعال هرگز نباید مورد استفاده قرار گیرند مثلاً " (catalysis) بجای فعل (catalyze) یا اسم مصدر (pouring) را بجای فعل (pour) باید بکار برد •

ت • ۳

مفرد در برابر جمع (Singular vs. Plural)

در مورد انتخاب اسامی مفرد یا جمع باید این قاعده ساده را بکار برد که اگر اصطلاح مورد نظر از اسماء قابل شمارش باشد یعنی در پاسخ سؤال " چند؟ " درآید باید از شکل جمع آن اسماء استفاده نمود مانند: (devices, gages, nozzles, fuses) و اگر اصطلاح پیشنهادی از اسماء غیر قابل شمارش است یعنی در پاسخ " چقدر؟ " میآید شکل مفرد اسم بکار میرود مثال: (iron, wood, charcoal) * برای نشان دادن شمارا بخصوص، کیفیت ها، و مراحل عملیات ویژه باید از اسماء مفرد استفاده نمود • جدول شماره یک خلاصه ای از موارد توصیه شده را نشان میدهد • برای انواع اصطلاحاتی که مشمول قاعده

کلی بالا نمی‌شوند و در جدول هم نیامده اند قاعده " استعمال عمومی " (Common usage) باید بکار رود .

ت . ۴

مدخل مستقیم

توصیف‌گرهائی که از دو یا چند کلمه تشکیل می‌شوند باید به همان ترتیب طبیعی خود پذیرفته شوند یعنی همان ترتیبی که معمولاً " در جملات انگلیسی رعایت می‌شوند مثلاً " :
radar antennas بجای antennas, radar ; و refractory materials بجای materials, refractory.

ت . ۵

تعریف توصیف‌گره (Descriptor Definition)

اصطلاحهائی که بیش از یک معنی پذیرفته شده دارند و قرار است در مفهومی بجز مفهوم مصطلح خود در اصطلاح‌نامه وارد شوند یا لازم است وجه تمایزشان از سایر توصیف‌گر مشخص شود باید با توضیح همراه باشند . معانی اصطلاحات را می‌توان از راه‌های زیر معین کرد و صراحت بیشتری به آنها داد :

الف . اصطلاحات مشخص‌کننده به اول اصطلاح مورد نظر اضافه نمود مثل :

metal tubing برای اینکه معنی کلمه tubing صریح‌تر شود . این همان روشی است که در ساختمان مدخل‌های مستقیم در اصطلاح‌نامه بکار میرود (مراجعه کنید به قاعده ت . ۴) و محدودیت‌های قواعد توصیف‌گره‌های مرکب در مورد آنها صدق میکند (مراجعه کنید به قاعده ت . ۱۱)

ب . در مورد کلماتی که املاء یکسان اما معانی مختلف دارند می‌توان یک اصطلاح

توصیف‌کننده نیز در پرانتز ضمیمه نمود مانند : mercury (metal) : mercury (planet) توصیف‌های داخل پرانتز خود جزئی از توصیف‌گر محسوب میشوند .

ج . برای نشان دادن فعل و انفعالات (processess) پسوند " ing " مورد استفاده

تکرار میگیرد و پسوند " ion " یا سایر پسوند های مناسب در مورد مواد و توان آنها بکار میرود تا اینکه کاملاً " تفاوت بین آنها روشن باشد مثال :
concentration و concentrating ; precipitation و precipitating.

د • هنگامیکه عبارت توصیف کننده معنی مورد نظر را برساند یک توضیح کوتاه بعنوان یادداشت کاربرد (Scope note) به آن اضافه می شود و در این مورد نباید از تعریف های دقیق و اطمینان استفاده کرد زیرا یادداشت کاربرد فقط نشان دهنده راه صحیح بکار بردن توصیف گر است • یادداشت کاربرد معمولاً " جزئی از توصیف گر بشمار نمی آید بلکه بدنبال توصیف گر در سطر بعدی آن و با فاصله نوشته میشود مثال :

Water cooling

cooling with water

ه • از آنجائیکه علائم تجاری قانوناً مالکیت را نشان میدهند باید بوسیله اصطلاح " trademark " در اصطلاح نامه مشخص شوند • اگر معنی یک علامت تجاری نیز روشن نباشد ممکن است برای سهولت امر از یک یادداشت کار برد استفاده کرد •

ت • ۶

مترادف ها (Synonyms)

وقتی دو توصیف گر مورد نظر کاملاً " مترادفند یکی از آنها باید بعنوان توصیف گر انتخاب شود و دیگری بعنوان ارجاع مطلق بکار رود (رجوع کنید به قاعده ج ۲۰ الف)

ت • ۷

شبه مترادف ها (Quasi - Synonyms)

بمنظور جلوگیری از پراکندگی اطلاعات مشابه در اندکس سازی و برای پرهیز از جستجوهای مکرر به هنگام بازیابی ثمر بخش اطلاعات عملی تر و بهتر آنست که اصطلاحاتی را که دارای رابطه خاص با یکدیگر هستند یعنی شبه مترادفات را از نظر اندکس سازی و بازیابی مترادف بحساب آورد •

اصطلاحاتی که جنبه های مختلف يك تداوم کیفی را ارائه میدهند ممکن است جزو شبیه مترادفها محسوب گردند مانند: (smoothness و roughness) در این موارد اصطلاحی که بر دیگری ترجیح داده می شود باید به عنوان توصیف گر وارد اصطلاح نامه شود و دیگری به عنوان ارجاع مطلق بکار رود. (رجوع کنید به قاعده ج ۲۰ الف)

اصطلاحاتی که معرّف مفاهیمی هستند که وجوه مشترك بسیار دارند ممکن است شبه مترادف تلقی شوند. مثال: lighting, illumination; duration, time; genetics, heredity. در این مورد اصطلاح انتخاب شده باید بوسیله ارجاع مطلق مشخص شود (رجوع کنید به قاعده ج ۲۰ ب).

ت ۰ ۸

نقطه گذاری (Punctuation)

علائم نقطه گذاری در توصیف گر ها باید کاملاً محدود شوند. وقتی که نام های سیستماتیک بسیار اختصاصی، مثل نام ترکیبات شیمیائی که کاربردشان مستلزم رعایت دقیق نقطه گذاری است به اصطلاح نامه راه یابند باید با کمال دقت نقطه گذاری شوند (رجوع کنید به قاعده ت ۰ ۱۰). برانتر برای اصطلاحات توصیف کننده ای که بغا طر جلوگیری از ابهام بعد از توصیف گر می آید بکار میرود (رجوع کنید به قاعده ت ۰ ۵): 'ویرگول'، 'نقطه ها'، 'آپاستروفها' و اغلب خط فاصل باید حذف گردد زیرا بکار بردن آنها با اور یکنواخت مشکل است و کار با اصطلاح نامه رادرسیتام ماشینی (کمپیوتر) پیچیده میسازد و از نظر این علامات در رساندن مفاهیم اصطلاحات ضروری نیستند. خط فاصل فقط هنگامی بکار میرود که حذف آن معنی مورد نظر اصطلاح را تغییر دهد. در موقع حذف خط فاصلی که بنظر معمولی در کلمه مرکبی قرار گرفته است باید در مورد فضائی که بوسیله آن خط فاصل اشغال میشود به ترتیب زیر عمل کرد: (۱) در مورد صفات مرکب، ترکیب اسم با اسم، و حرف با کلمه این فضا باقی میماند. در مورد پیشوندهائی که به کلمات اصلی چسبانده میشوند این فضا از بین میرود مثال:

(1) high temperature testing
man machine systems
a body problem

(2) countermeasures
microanalysis
ultrahigh frequency

ت ۰ ۹

شکل‌های خلاصه (Abbreviated Forms)

بدون‌کلی از بکار بردن شکل خلاصه شده اصطلاحات بعنوان توصیف‌گر باید اجتناب نمود زیرا این شکل‌های خلاصه شده ممکن است در سطح جهانی مفهوم نباشند یا معنی آنها به متن اصلی بستگی داشته باشد یا شناختن آنها تنها بوسیله نوشتن با حروف بزرگ یا بوسیله نقطه امکان پذیر باشد که ایده‌م بکار بردن آنها را برای کمیوتر مشکل می‌سازد. شکل خلاصه را وقتی می‌توان بکار برد که معنی آن به‌قوی پذیرفته شده باشد و کار را تا حد قابل ملاحظه آ تسهیل کند مثال: ACTH بجای adrenocorticotrophic hormone ; PETN بجای vertical take off and landing aircraft ; VTOL aircraft ; pentaerythritol tetranitrate بجای شکل خلاصه و شکل کامل یک اصطلاح باید مترادف تلقی شود و از یکی به دیگری ارجاع داده شود (رجوع کنید به قاعده ج ۲۰ ج ۲) آکرونی‌م‌های (Acronyms) شناخته شده را می‌توان به عنوان توصیف‌گر پذیرفت مثلاً: shoran, radar, maser.

ت ۰ ۱۰

واژگان تخصصی (Specialized Vocabularies)

فهرست‌سازی و بازبانی دقیق اطلاعات در بعضی از رشته‌های تخصصی مستلزم کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات توصیف‌گری است که از بعضی جهات با طرز عمل اصطلاح‌نامه که مبنی بر زبان طبیعی است تفاوت می‌یابد. مانند نمونه‌های زیر:

الف. شیمی. برای جلوگیری از تکثیر اصطلاحات در موضوع علم شیمی، انتخاب نام ترکیبات شیمیایی خاص بعنوان توصیف‌گر باید محدود گردد و بجای آنها باید مجموعه توصیف‌گرهائی بکار برده شود که معرف طبقات کلی این ترکیبات یا طرز عمل آنها یا خصوصیات ویژه ساختمانی آنها باشد. این کار، اندکس‌سازی و جستجوی اطلاعات را بوسیله هماهنگ نمودن توصیف‌گر مناسب که معرف ترکیبات بخصوص و در عین حال طبقات کلی این ترکیبات هستند امکان پذیر می‌سازد.

اسامی ترکیبات خاصی که به کرات در نوشته‌های مربوط به شیمی بکار می‌روند ممکن است

عیناً " بعنوان توصیف‌گر وارد اصطلاح‌نامه شوند مانند :

sulfuric acid, carbon tetrachloride, morphine, progesterone.

ب. آلیاژها • در مورد بعضی گروه‌های کلی آلیاژها نیز توصیف‌گرهایی باید انتخاب گردند

مانند : aluminum copper alloys, molybdenum steels, zinc alloys.

ج. مجموعه اصطلاحات زیست‌شناسی • در توصیف گیاهان و جانوران تا حد امکان باید از مجموعه اصطلاحات رسمیت یافته استفاده نمود و هر کجا انحرافی از این سیستم‌ها ضروری بی نظر رسید باید بوسیله ارجاع تداوم در کار برد آنرا حفظ کرد •

ت. ۱۱

توصیف‌گرهای مرکب (Multiword Descriptors)

هر توصیف‌گر نماینده و معرف یک مفهوم است بطور کلی یک توصیف‌گر باید بدون در نظر گرفتن عده کلماتی که برای بیان یک مفهوم لازم است منعکس کننده اصطلاحات یک موضوع خاص باشد • بهر حال بسیاری از توصیف‌گرهایی که قرار است انتخاب شوند معرف مفاهیمی هستند یا بنظر نیاید معرف مفاهیمی باشند که از ترکیب دو یا چندین توصیف‌گر اختصاصی (Specific) یا بالقوه بوجود آمده اند در چنین مواردی باید تصمیمی اتخاذ شود که به موثرترین طرز ممکن توصیف‌گر مورد نظر را در اصطلاح‌نامه گنجانید یعنی یک اصطلاح چند کلمه‌ای اختصاصی به اصطلاح‌نامه افزود یا ترکیبی از دو یا چند توصیف‌گر موجود را تجویز کرد •

توصیف‌گرهای مرکب اختصاصی (Specific) اغلب عمل بازبایی اطلاعات معین را تسهیل می نمایند اما ممکن است هزینه تهیه اندکس را به علت افزایش قابل ملاحظه تعداد توصیف‌گرها بالا ببرند • از طرف دیگر استعمال صحیح توصیف‌گرهای بسیط در اندکس سازی بمنظور ترکیب بعدی آنها هنگام بازبایی اطلاعات ، حجم مجموعه لغات را کنترل میکند و همچنین یکنواختی در بکار بردن مجموعه اصطلاحات را افزایش میدهد • اتخاذ تصمیم در مورد ساختن توصیف‌گرهای اختصاصی (Specific) مستلزم توجه به عوامل زیر است • اگر تردید مطلقاً در این مورد وجود داشته باشد باید یک توصیف‌گر مرکب اختصاصی (Specific) ساخته شود زیرا اگر ثابت شود که این توصیف‌گر مورد استفاده کمی دارد آنوقت به سادگی می توان آنرا

بصورت ترکیبی از توصیف گره‌ای بسیط درآورد. اما عکس این عمل به سادگی امکان پذیر نیست. الف. هنگامی که توصیف گره‌های مناسب کلی تری در مجموعه لغات وجود ندارد باید توصیف گره‌های مرکب اختصاصی بوجود آورد. بمنظور ارائه دقیق مفاهیم خاص، ترکیب توصیف گره‌های کلی باید چنان باشد که یکی از توصیف گره‌ها عضو همان سلسله مراتبی باشد که مفهوم خاص به آن تعلق دارد. توجه به این اصل سبب یکنواختی بیشتر و بازیابی کامل میشود در حالیکه استفاده از یک توصیف گره مرکب که هیچ یک از کلماتش ارتباط کلی با مفهوم اختصاصی مورد نظر نداشته باشد ممکن است از میزان کارآئی در بازیابی اطلاعات بکاهد.

ب. وقتی برآورد با یک مفهوم خاص بقدری زیاد است که امکان اندکس کردن و کاوش بطور مستقیم هم صریح و مقرون به صرته است یا هنگامی که یک یا هر دو توصیف گره‌های کلی — آنقدر در فهرست بکار رفته اند که کاوش را دشوار یا دور از دقت میسازند باید توصیف گره‌های مرکب اختصاصی بوجود آورد.

ج. دو یا چند توصیف گره بسیط باید بجای یک توصیف گره اختصاصی بکار روند و این هنگامی است که یک مفهوم خاص جزئی از همان طبقه کلی هر یک از توصیف گره‌های کلی است (رجوع کنید به قاعده ج ۰ ۴) مانند *are oxygen cutting* (که عضوی از طبقات *are cutting* است) و *oxygen cutting* که ممکن است بوسیله همین توصیف گره‌ها معرفی گردند. وقتی استفاده از توصیف گره‌های بسیط به استفاده از توصیف گره‌های اختصاصی ترجیح داده می شود باید ارجاعات مناسبی در اصطلاح نامه بوجود آید (رجوع کنید به قواعد ج ۰ ۲ و ج ۰ ۳)

ارجاعات

ج ۰ ۱ ارجاع معکوس

ارتباط اصطلاحات بوسیله ارجاعات معکوس نشان داده می شود این ارجاعات استفاده کننده را در انتخاب توصیف گره‌های مناسب از اصطلاح نامه راهنمایی میکند. انواع ارجاعات و علائم آنها که بر حسب لزوم بکار میروند عبارتند از:

Cross References

USE
USES FOR
BROADER TERM
NARROWER TERM
RELATED TERM

Symbols

USE
UF
BT
NT
RT

قواعد زیر مورد استعمال هر يك از این ارجاعات را نشان میدهد :

ج ۰ ۲ مطلق

ارجاع مطلق بمنظور راهنمایی استفاده کنندگان اصطلاح نامه در مورد توصیف گره‌های مناسب بکار میرود یعنی ارجاعی است از اصطلاحی که به رسمیت شناخته نشده به اصطلاحی که بعنوان توصیف گرا انتخاب شده است مانند موارد زیر :

الف ۰ برای نشان دادن کلمه مترادفی که بر کلمه دیگر ترجیح داده شده باشد مثال :

lysozyme USE muramidase; secondary batteries USE storage batteries;

ب ۰ برای ارجاع از يك اصطلاح اختصاصی به اصطلاح کلی تری که برای نشان دادن

مفهوم خاص انتخاب شده است مانند :

plant waxes USE waxes; sand blasting USE abrasive blasting;

ج ۰ بمنظور نشان دادن شکل املائی بهتر يك کلمه یا برای بسط و شرح کلمات خلاصه

شده مثال :
pimsons USE pions; inflammability USE flammability;
pentaerythritol tetranitrate USE PETN; IFF USE identification systems;

د ۰ هنگامیکه استفاده از دو یا چندین توصیف گرا برای نشان دادن يك مفهوم توصیه

شده است مثال :
ferromagnetic films USE ferromagnetic materials and films;
antitank rockets USE antitank ammunition and rockets; optical illusions
USE illusions and vision;

ه ۰ برای نشان دادن مفاهیمی که می توان آنها را از نظر اندکس سازی و یا زیابسی

اطلاعات در شمار مترادفها دانست مثال :
heredity USE genetics; semantemes
USE semantics;

و ۰ بمنظور اینکه جنبه های مختلف يك تداوم مفرومی در يك جا ذکر شود مثال :

fluidity USE viscosity; smoothness USE roughness; instability USE stability.

ز • برای توضیح اشکال مختلف ترتیب کلمات مثال :

tables (mathematics) USE mathematical tables; propellers (aerial) USE
aerial propellers; propellers (marine) USE marine propellers;

ح • برای نشان دادن مجموعه اصطلاحات جاری مثال :

electrical condensers USE capacitors;

ط • بمنظور حذف اصطلاحات عامیانه مثال :

whirly bird USE helicopters.

ج • ۲

ثانوی

ارجاع ثانوی (UF) مفهوم مخالف ارجاع مطلق را دارد و همراه توصیف گر هائی که ارجاع
مطلق به آنها بر میگردد میآید بنابراین ارجاع مطلق در دو مثال قواعد ج • ۲ ب و ج • ۲ ج
سبب بوجود آمدن ارجاعات ثانوی زیر میشود :

abrasive blasting

UF sand blasting

Pions

UF pi mesons

هنگامیکه دویا چند توصیف گر بوسیله ارجاع مطلق برای نشان دادن يك مفهوم توصیه می شوند
(رجوع کنید به قاعده ج • ۲ د) علامت واحدی نظیر علامت نشان دهنده تعداد (#) بایسد
در مقابل اصطلاحی که پذیرفته شده در ارجاع ثانوی گذاشته شود مثال :

ferromagnetic films USE ferromagnetic materials and films;

ferromagnetic materials

UF # ferromagnetic films

films

UF # ferromagnetic films

ج ۰ ۴

اصطلاح اعم

ارجاع BROADER TERMS یا BT برای رجوع از اصطلاحی که معرف یکی از اعضاء گروه یا گروه‌هایی از مفاهیم است به هر اصطلاح یا اصطلاحات دیگری از اصطلاح نامه که معرف آن گروه یا گروه‌ها است بکار میرود مانند: steels BT iron alloys . برای هر يك از ارجاعات BT باید يك ارجاع NT متقابل نیز ساخته شود . (رجوع کنید به قاعده ج ۰ ۵) ارتباط جزء به کل را نباید با ارتباط دو جانبه broader - narrower اشتباه کرد مانند ارجاع زیر که نادرست است: gear teeth BT gear . با این حال در زمینه های بسیار خاص میتوان ارجاعات جزئی به کلی را بکار برد . این زمینه ها عبارتند از آناتومی (تشریح) و محلزای جغرافیائی . از مواردی که بیچوجه مشمول ارجاع broader - narrower نمی شود ارتباطاتی است که بر پایه موارد استعمال یا روش استفاده احتمالی يك ماده قرار دارد . مثلاً "پلاتینیوم Platinum" عضوی از خانواده Catalysts تلقی نمی شود زیرا اگر چه گاهی بعنوان يك Catalyst بکار میرود موارد استعمال فراوان دیگری هم دارد که نمی توان همه آنها را بعنوان اصطلاح اعم آورد ولی پلاتین همیشه بعنوان عضوی از گروه فلزات بشمار می آید و بنابراین Platinum BT metals باید وارد اصطلاح نامه شود . هرگاه يك توصیف گر که خود شامل اصطلاحات اختصاصی تری در واژگان است بصورت يك اصطلاح اخص یا اصطلاح وابسته در اصطلاح نامه ظاهر شود باید قبل از این توصیف گر يك علامت کامل " روشن مانند خط فاصل (hyphen) بکار رود تا بدین وسیله نشان داده شود که این توصیف گر اختصاصی ترین مفهوم گروه خود نیست . روش قرار دادن چنین اصطلاحاتی در اصطلاح نامه باید این باشد که آنها را بر اساس اولین حرف از نظر الفبائی مرتب نمایند بطوریکه این معرفزای الفبائی شده با واژه های بالا و پائین خود در يك خط زیر هم قرار بگیرند (همچنین به قواعد ج ۰ ۵ و ج ۰ ۶ و ج ۰ ۸ رجوع کنید) مثال :

impedance

NT

acoustic impedance
capacitive reactance
characteristic impedance

RT

- electrical impedance
- electrical resistance
- inductive reactance
- input impedance
- reactance
- transfer impedance
- bandwidth
- conductivity
- damping
- dead time
- dynamic response
- hold-up
- resistivity
- transient response,

نشان فاصل نشان میدهد که برای این اصطلاحات اصطلاحات اختصاصی تری در مجموعه لغات وجود دارد .

ج . ۵

اصطلاح انحصار (Narrower Terms)

ارجاع NARROWER TERM (NT) در مقابل ارجاع BROADER TERM میآید (رجوع کنید به قاعده ج . ۴) و برای ارجاع از اصطلاحی که معرف مفهوم یک گروه است به اصطلاحاتی که نشان دهنده اعضاء آن گروهند بکار میبرد مانند :
iron alloys NT gray iron, mottled iron, steels.

بعبارت دیگر برای هر ارجاع NT باید یک ارجاع BT هم مقابلاً وجود داشته باشد .

ج . ۶

سلسله مراتب (Hierarchy)

ارجاعات BROADER TERM و ارجاعات NARROWER TERM دارای سلسله مراتب بشمار میروند اگر بیش از دو سطح در این سلسله مراتب وجود داشته باشد در مورد هر اصطلاح برای تمام سطوح باید ارجاع تهیه شود و این کار استفاده کننده از اصطلاح نامه را قادر میسازد که سطح دقیق تخصصی اصطلاح را در خانواده مفاهیم مربوط بهم مشخص نماید و نیز یکنواختی و برایش را هنگام تجدید نظر در اصطلاح نامه یا استخراج قسمتهائی از آن بعنوان مجموعه لغات تخصصی برای اندکس سازی تأمین می نماید .

در موارد بسیار نادر اصطلاحات آنقدر از نظر معنی وسیع میشوند که مفید بودن آنها از نظر فرست شدن مورد تردید قرار میگیرد ولی با وجود این باز هم باید آنها را برای بکاربردن در موضوعاتی که جنبه فرعی دارند و یا بتوان راهحالی در اصطلاحات تخصصی ترنگداشت. در این موارد باید زیر هر یک از توصیف گرهائی که معرف مفاهیم بسیار کلی هستند لیستی از اصطلاحات دیگری که بهتر است استفاده کننده را به آن اصطلاحات در اصطلاح نامه ارجاع داد تهیه نمود بدون آنکه در این مورد علائم ارجاع را بکار برد. علاوه بر این لیست باید یک یادداشت کاربرد چنین توصیف گرهائی به مضمون زیر اضافه نمود:

Use of a more specific term is recommended - consult the terms listed below.

مثلاً اصطلاح materials برای اندکس سازی مدارکی که از مواد فتالکتور-تیلی کلی بحث میکنند فایده چندانی ندارد اما در مجموعه لغاتی که بسیاری انواع مواد بوسیله اصطلاحات اندکس سازی نشان داده می شوند اصطلاح materials نقش بسیار مفیدی در معرفی اصطلاحات بسیار اختصاصی و یا وابسته دارد که بدون بکار بردن ارجاعات متعدد BT برای هر مورد اصطلاح اختصاصی استفاده کننده را باین اصطلاحات برای مطالعه بیشتر راهنمایی میکند ارجاع متقابل از این اصطلاحات اختصاصی به توصیف گرهائی کلی لازم نیست اما یادداشت آن برای موارد بعدی لازم است (رجوع کنید به قاعده ج ۰ ۹)

ج ۰ ۷

وابستگی يك اصطلاح به چند سلسله مراتب (Hierarchy - Overlap)

هر اصطلاح ممکن است به بیش از یک سلسله مراتب تعلق داشته باشد (رجوع کنید به قواعد

ج ۰ ۴ و ج ۰ ۵) برای مثال مصرفهای زیر را مورد توجه قرار دهید:

avalanche diodes BT diodes and semiconductor devices; diodes NT avalanche - diodes.

اصطلاح avalanche diodes معرف مفهومی است که بطور مشخص عضو دو گروه

مختلف از طبقات مفاهیم است که بوسیله دو اصطلاح diodes و semiconductor devices

ارائه میشود.

ج ۰ ۸

اصطلاح وابسته

ارجاع

(RT) RELATED TERM (بعنوان رابطه‌ای از يك توصیف گر به دیگر توصیف گرهای

که از نظر مفهوم بعد زیادی بهم وابسته اند ولی از نظر سلسله مراتب ارتباطی ندارند بکار
میروند (رجوع کنید به قواعد ج ۰ ۴ تا ج ۰ ۷) بطور کلی هرگاه این گمان برود که استفاد
کننده در موقع بررسی يك توصیف گر لازم است از وجود توصیف گرهای دیگری نیز مطلع شود
باید يك ارجاع دوجانبه (RT) برای هر دو اصطلاح ساخته شود .

ارجاعات (RT) ممکن است در موارد زیر مورد استفاده قرار گیرد :

الف . توصیف گرهای که بعد زیادی در معنی بیکدیگر نزدیکند و در سلسله مراتبهای
مختلف قرار گرفته اند .

ب . توصیف گرهای که مترادف نزدیک بهم هستند .

ج . توصیف گرهای که از لحاظ نقطه نظر با هم ارتباط دارند مثلاً " از نقطه نظر موارد
استفاده آنها مانند : alcohols RT solvents, RT antifreezes.

د . توصیف گرهای که معرّف مفاهیمی هستند که ارتباط جزّی بکل را مشخص میسازند .

ج ۰ ۹

مدخل های متقابل (Reciprocal Entries)

مدخل های متقابل یا دو طرفه در هر موردی که احتیاج به ارجاع هست باید بکار رود
با استثنای موردی که در قاعده ج ۰ ۶ تذکر داده شد . سه جفت از ارجاعات متقابل بقرار

USE
BROADER TERM
RELATED TERM

USED FOR
NARROWER TERM
RELATED TERM

زیرند :

الفبائی کردن

الف ۰ ۱

توصیف گرها را باید بر طبق قواعد زیر حرف بحرف الفبائی نمود :

- (۱) تمام فواصلی که بین کلمات ایجاد می شوند را باید نادیده گرفت
 - (۲) فقط پرانتزهایی که در سمت چپ قرار میگیرند و اعداد و حروف در موقع الفبائی کردن بحساب می آیند و تمام علائم دیگر نادیده گرفته می شوند .
 - (۳) ترتیب ردیف کردن باید به شرح زیر باشد :
 - (الف) پرانتزهای سمت چپ
 - (ب) اعداد در ترتیب معمولی خود
 - (ج) حروف به ترتیب معمولی خود
- نمونه ای از اصطلاحاتی که بر طبق قواعد بالا مرتب شده اند بشرح زیر است:

mercury (metal)
 mercury (planet)
 mercury amalgams
 mercury arc rectifiers
 mercury lamps
 metal finishing
 metallurgy
 metals
 metal working

توجه : Metal Working گاهی بهم پیوسته بصورت يك کلمه نوشته می شود
 (metalworking) در تاعده الفبائی کردن حرف بحرف هر نوع املائی که برای اصطلاح نامه پذیرفته شود در محل قرار گرفتن این واژه تاثیری نخواهد داشت و حتی اگر از خط تیره هم استفاده شود metal - working باز در ترتیب الفبائی این واژه تغییری نخواهد داد .

I.

1. Nomenclature: Ensemble des Termes Techniques d'une Science ou d'un art.
2. Terminologie: Ensemble des Terms Techniques d'une Science, d'un art.

LAROUSSE

2 b. a

1. Nomenclature:

system of terms used in a particular science, discipline, or art.

2. The technical or special terms or expressions used in a business, art, science, or special subject.

Webster's Dictionary

II.

ACRONYM

۱. ازد و بخش یونانی ACROS به معنی راس، قله، سرو ONYMA به معنی نام. یعنی واژه یا عبارتی که از نخستین حروف چند واژه دیگر تشکیل شده باشد مانند "هما" که نماینده "هوایپمائی ملی ایران" است. فرق این واژه ABBREVIATION آن است که حروف Abb تشکیل یک واژه جدید نمی دهند و مانند یک واژه تلفظ نمی شوند مانند U.K. اختصار واژه "نامسر" را به عنوان معادل فارسی این کلمه پیشنهاد می کند که هم ترجمه دقیق واژه انگلیسی است و هم تا حدودی معنی و ماهیت لغت را نشان می دهد. "نامسر" اضافه مقلوب سرنام.

TABLE 1. GUIDELINES TO SINGULAR - PLURAL USAGE

TYPE OF TERM	USE SINGULAR FORM	USE PLURAL FORM
Material terms, such as: chemical compounds mixtures materials	When term is specific, as: urea cellophane beeswax	When term is generic, as: amines solvents plastics
Terms representing properties, conditions, characteristics	When term is specific, as: viscosity temperature purity opacity	When term is generic, as: physical properties process conditions
Terms representing equipment, devices, physical objects, & elementary particles	Do not use singular	Use plural, as: pulverizers regulators mesons teeth stars
Class of use terms	Do not use singular	Use plural, as: adhesives catalysts
Process terms	Use singular, as: constructing installing modulating	Do not use plural
Proper names (A proper name is defined as the name for a single unique item)	Use singular, as: Hookes Law Pluto	Do not use plural
Disciplines, fields, subject areas	Use singular according to common usage, as: chemistry hydraulics engineering	Do not use plural (Words such as "hydraulics" are actually singular)
Events or occurrences	Do not use singular	Use plural, as: ambushes explosions

Institute for Research and Planning in Science and Education
Iranian Documentation Centre
(IRANDOC)

Thesaurus Rules and Conventions

July 1971

Tehran